

# امور تربیتی در گذر زمان از گذشته تا افق آینده

## سیدجواد حسینی

هشتم اسفند ماه روز تشکیل امور تربیتی به تدبیر شهیدان رجایی و باهنر در نظام تعلیم و تربیت ایران پس از انقلاب است، به همین مناسبت قصد داریم در یک تقسیم‌بندی تاریخی تحولات و کارکردهای امور تربیتی در آموزش و پرورش ایران را مورد بررسی قرار داده و کامیابی‌ها و ناکامی‌های آن را واکاوی نماییم.

با مروری به تاریخچه و چگونگی شکل‌گیری امور تربیتی می‌توان وضعیت امور تربیتی را به پیش و پس از انقلاب تقسیم نمود؛ دوران پس از انقلاب را نیز می‌توان به دوران سال‌های اول انقلاب، دوران دفاع مقدس و جنگ تحمیلی و دوران پس از جنگ و سال‌های 1385 به بعد و وضعیت امروز و چشم‌انداز آینده تقسیم نمود و نوع تحولات و نگرش‌ها درخصوص امور تربیتی را به همراه چالش‌ها و موانع و نیز موفقیت‌ها و ناکامی‌ها را مورد بررسی و ارزیابی قرار داد و در نهایت نگاه به امور تربیتی و الزامات آن را بر مبنای سند تحول بنیادین به اختصار مورد توجه و تمرکز قرار داد و چشم‌انداز آینده را ترسیم نمود، لذا طبقه‌بندی مباحث به قرار ذیل خواهد بود:

- 1- نگاه به امور تربیتی در دوران پیش از انقلاب
- 2- امور تربیتی پس از انقلاب و دوران سال‌های اوایل انقلاب
- 3- امور تربیتی در دوران جنگ تحمیلی
- 4- امور تربیتی پس از دوران جنگ
- 5- امور تربیتی در سال‌های 1385 به بعد
- 6- امور تربیتی در سند تحول بنیادین و چشم‌انداز آینده.

1- امور تربیتی در دوران پیش از انقلاب:

همان‌طور که می‌دانیم تا سال 1346 تصدی و سیاست‌گذاری تمامی امور آموزشی از دوره ابتدایی و متوسطه و نیز دوران تحصیلات عالی همه تحت پوشش وزارت فرهنگ بود.

اما در سال 1346 وزارت فرهنگ به دو بخش وزارت علوم و وزارت آموزش و پرورش تقسیم شد.

آموزش و پرورش ترجمه کلمه (education) بود که به نام جدید وزارت

یعنی آموزش و پرورش اطلاق شد از همان ابتدا تصور اشتباهی اتفاق افتاد کلمه (eduction) در اصل به معنی تربیت است یا به معنی جریان تعلیم و تربیت است در اروپا نام این وزارتخانه با همین مفهوم اطلاق می‌گردد در کشورهای عربی هم وزارت التربیه یا وزارت تربیت و تعلیم عنوان می‌شود اما در کشور ما این کلمه به آموزش و پرورش ترجمه شد و از ابتدا يك اشتباه برداشت شکل گرفت، اینکه گویی تعلیم و تربیت دو مقوله تفکیک شده و جدای از یکدیگرند، بنابراین در جریان تعلیم و تربیت يك عده باید به کار تعلیم و عده‌ای دیگر به کار تربیت همت گمارند، بنابراین اینها دو مقوله تفکیکی وابسته مکمل و تکمیلی فرض شده‌اند، لذا در این دوران جریان و مقوله تربیت در عمل و در مدارس در حد اجرای فوق برنامه و پیشاهنگی و اردوهای تفریحی و علمی خلاصه می‌شد.

2- امور تربیتی دوران پس از انقلاب اسلامی:

در دوران پس از انقلاب امور تربیتی هم از حیث عمل و هم سازمان‌دهی و تشکیلات و نیز میزان موفقیت تحقق اهداف به دوره‌های اول انقلاب، دوران دفاع مقدس و دوران پس از جنگ و تاکنون قابلیت تقسیم‌بندی دارد.

3-1- امور تربیتی در سال‌های اول انقلاب:

در سال‌های اولیه انقلاب اسلامی جریان انقلاب و مسیر استقرارش از سوی بازماندگان رژیم گروه‌های ضد انقلاب و التقاطی نظام سلطه جهانی مورد تهاجم بود و بهترین مکان برای مبارزه با انقلاب مدارس بودند تا این گروه‌ها از فرصت عدم سازمان‌دهی آموزش و پرورش بعد از انقلاب در مدارس استفاده و بتواند دانش‌آموزان را از مسیر آرمان‌های انقلاب منحرف نمایند و از جامعه‌پذیری ارزش‌های انقلاب به ویژه در مدارس جلوگیری نمایند،

لذا با توجه به این وضعیت تشکیلات و جریان امور تربیتی توسط شهیدان رجایی و باهنر در 8 اسفند مطرح و راه‌اندازی شد که از چند ویژگی مهم برخوردار بود:

1- در این زمان بنا به دلایل پیش‌گفته تعداد قریب به 30 هزار مربی پرورش جذب آموزش و پرورش شدند.

2- این مربیان بیشتر از بین طلاب و دانشجویان که خصوصاً در دوره انقلاب فرهنگی به سر می‌بردند و نیز نیروهای متعهدی تشکیل می‌شدند که دغدغه اصلی آنها انقلاب اسلامی، حفظ ارزش‌های آن و تلاش جهت جلوگیری از به انحراف کشیدن ارزش‌های انقلاب در مدارس بود، بنابراین آنها با این رویکرد برنامه‌های فرهنگی تربیتی را در مدارس هم تدریس و هم ترویج می‌کردند. سخنرانی‌های سیاسی، اجرای مراسم رسمی و مذهبی و انقلابی و برگزاری نماز جماعت از عمده فعالیت‌های این دوره مربیان

پرورشی بود.

3- به طور کلی هدف تشکیلات امور تربیتی در سالهای اول انقلاب را می‌توان در چند موضوع خلاصه نمود:

الف) سعی در طاغوت‌زدایی از مدارس

ب) مقابله با تشکیلات و گروه‌های ضدانقلاب و التقاطی در مدارس به گونه‌ای که به‌رغم تعداد زیاد این گروه‌ها در سال 60 مسیر جولان آنها مسدود شد و در نتیجه بساط این گروه‌ها از مدارس برچیده شد.

ج) ترویج ارزش‌های انقلاب اسلامی و پیام‌رسانی آن به نسل دانش‌آموزان

د) بسط و گزینش تعلیم و تربیت اسلامی

هـ) اجرای برنامه‌های فوق برنامه و پرورشی

4- ضرورت نظام‌مند شدن برنامه‌های امور تربیتی در این دوره وزارت آموزش و پرورش را به این فهم می‌رساند که معاونت پرورش را در سطح وزارت و به تبع آن ادارات کل استان‌ها و مناطق راه‌اندازی نماید.

اگر نوع و کیفیت فعالیت مربیان تربیتی را در این دوره مورد ارزیابی قرار دهیم باید به موفقیت مربیان تربیتی در این مرحله جهت تحقق اهداف اشاره نمود. مربیان تربیتی با اعتقاد و انگیزه بالا در جهت طاغوت‌زدایی مبارزه با گروه‌های ضدانقلاب و ترویج فرهنگ انقلابی موفق عمل نمودند، گرچه هنوز امور تربیتی از سازمان‌دهی تشکیلات بالایی برخوردار نبود و از همه مهم‌تر جریان آموزش و پرورش در ادامه روند پیش از انقلاب که به دو مقوله جدا و مکمل تفسیر شده بود در این دوران تشدید و دوباره این ذهنیت که کار تربیت را مربیان پرورش و کار تعلیم را معلمین باید برعهده گرفته و جریان را پیش ببرند تشدید شد و بحث‌های مختلفی درخصوص اینکه تعلیم مقدم است یا تربیت مطرح شد و درنهایت خواسته یا ناخواسته گویی کار تربیت به عهده امور تربیتی است.

اما درنهایت هدف اصلی این دوره که طاغوت‌زدایی و مبارزه با گروه‌های منحرف و ضدانقلاب در مدارس بود با موفقیت توسط مربیان امور تربیتی محقق گردید.

3-2- امور تربیتی در دوران جنگ تحمیلی:

پس از سال‌های اولیه انقلاب و فروکش کردن هیجانات ناشی از آن تقریباً کار تثبیت انقلاب به ثمر رسیده بود و نگرانی‌ها و التهابات سال‌های اولیه از دست گروه‌های منحرف و التقاطی کاهش یافت، در چنین حال و هوایی بود که جنگ تحمیلی آغاز شد و دوران دفاع مقدس شکل گرفت و متناسب با این شرایط وضعیت امور تربیتی نوع فعالیت و اهداف آن نیز تحول یافت.

الف) مهم‌ترین فعالیت‌های مربیان امور تربیتی در این دوره بر دفاع مقدس تمرکز یافت، پشتیبانی از جبهه‌های جنگ تبلیغات دفاع مقدس و

اعزام نیرو به جبهه‌ها از عمده‌ترین فعالیت‌های مربیان تربیتی بود به گونه‌ای که بسیاری بر این باورند بعد از سپاه و ارتش آموزش و پرورش سومین رکن نیروهای جبهه‌ها بودند. بیش از 800 هزار اعزام نیرو به جبهه و 36 هزار شهید دانش‌آموز و 5 هزار شهید معلم و نیز 411 شهید از مربیان امور تربیتی گواه محکمی بر این مدعاست.

ب) ویژگی دیگر این دوره ورود نیروهای جدیدتری به امور تربیتی بود که از مراکز تربیت معلم فارغ‌التحصیل شده بودند و به طور کلی امور تربیتی از نظم و نسق بیشتری برخوردار شده بود همچنین مربیان بهداشت و مشاوران مدارس نیز به کمک فعالیت‌های امور تربیتی آمده بودند.

ج) در این دوره فعالیت‌های امور تربیتی در قالب گسترش کانون‌های فرهنگی تربیتی، فعالیت‌های فرهنگی هنری و اردویی و جشنواره‌ها از کمیت و کیفیت بیشتری برخوردار شد. در همین مرحله دوره کارشناسی و برنامه‌ریزی امور تربیتی در قالب یک دانشکده هم راه‌اندازی شد که پس از 5 دوره دوباره به تعطیلی کشانده شد.

3-3- امور تربیتی در دوران پس از جنگ و دفاع مقدس

فعالیت‌های امور تربیتی ادامه یافت و بعدها تا پایان جنگ به همین شکل به پیش رفت اما پس از آن اندیشه و ایده نگاه تلفیقی به موضوع تربیت به جای نگاه تفکیکی و تکمیلی مطرح شد گرچه در عمل نتوانست با موفقیت همراه شود.

الف) در این دوره جنگ و دفاع مقدس به اتمام رسیده بود و سال‌های اول انقلاب که جریان گروهک‌ها فعال بودند و خطر جدی به انحراف کشیدن انقلاب توسط آنها در مدارس وجود داشت از بین رفته بود، بنابراین گروهک‌ها اکنون وجود نداشتند و طاغوت رخت بر بسته بود و نیز جنگ به پایان رسیده و تثبیت انقلاب هم محقق شده است و به‌طور کلی از بحران‌های دهه 50 و 60 دیگر خبری نیست.

ب) در چنین وضعیتی:

اول اینکه، بسیاری از مخالفان داخلی و نیز دشمنان خارجی سعی نمودند که اثبات کنند دیگر وجود امور تربیتی و تشکیلات برای نظام آموزش و پرورش ضروری نیست و لذا این تشکیلات باید جمع شود.

دوم، مربیان تربیتی هم در چنین شرایطی دچار ابهام در نقش شده بودند یعنی نه وظیفه طاغوت‌زدایی نه پشتیبانی از دفاع مقدس و نه مبارزه با گروهک‌ها اکنون موضوعیت جدی نداشت و این جریان ابهام در نقش مربیان از یکسو و تقلیل نقش آنها بر پاسخگویی به بخشنامه‌های اداری نصب اوراق و پوستره‌های تبلیغاتی و کمک به اجرای برنامه‌های آغازین و صبحگاهی و برگزاری مسابقات فرهنگی و هنری از دیگر سو موجب شد مربیان پرورشی در مدارس به عناصری همه‌کاره و هیچ‌کاره

مبدل شوند.

لذا ابهام در نقش تعدد نقش و تعارض نقش در مربیان امور تربیتی شکل گرفت و موجب دل‌سردی نقش و در بسیاری از موارد شکست در ایفای نقش گردید.

ج) لذا از یکسو احساس خود مربیان و از دیگر سو برداشت عناصر دیگر مدرسه مثل مدیران معلمان و اولیا از مربیان تربیتی به شکل نامطلوبی شکل گرفت اینکه معلمان آنها را نیروهای حکومتی و جریان از بالا به پایین تصور می‌کردند که نقش‌های تثبیت‌کننده نظام اداری و در برخی موارد خبرچینی را در مورد آنها می‌پنداشتند و مدیران آنها را مزاحمین خود در جریان فرآیند مدیریت مدرسه تلقی می‌کردند و اولیا هم که در این فضا و جریان کنکورزدگی درسزدگی و نمره‌گرایی وجه قالب شده بود مربیان و برنامه‌های فوق برنامه آنها را مزاحم پیشرفت تحصیلی فرزندان‌شان تلقی می‌کردند و این تصورات موجب شد که به‌رغم موفقیت مربیان در دوره سال‌های اولیه انقلاب در انجام ماموریت‌شان و موفقیت ایشان در دوره دفاع مقدس در این دوره در عرصه تعلیم و تربیت چندان موفق ظهور نداشته باشند.

د) به همین دلیل در این سال‌ها طی نظرسنجی که انجام شده بود 98 درصد مربیان امور تربیتی علاقه‌مند بودند تغییر نقش دهند و از امور تربیتی به سایر واحدهای سازمان‌ها انتقال یابند و در عمل نیز مربیان تربیتی که نیروهای متعهد بودند در این دوره به سازمان‌های دیگر مثل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شهرداری‌های و وزارت کشور صدا و سیما انتقال یافتند یا به بخش آموزش تغییر سمت دادند.

ه) این روند و البته پشتوانه‌های نظری دیگر باعث شد در سال 1380 ادغام معاونت آموزش و پرورش را شاهد باشیم و پشتوانه نظری آن غلبه جریان و مبانی درست نگاه تلفیقی به آموزش و پرورش به جای نگاه تفکیکی و تکمیلی به این دو مقوله بود، اما در نهایت با فعالیت برخی جریان‌ها که تصور می‌کردند با این روش جریان تربیت و مسائل فرهنگی تربیتی تضعیف خواهد شد نهایتاً در سال 1385 با تصویب مجلس شورای اسلامی دوباره تشکیلات امور تربیتی احیا شد.